محمدصادق میرزاابوالقاسمی

کتیبهٔ پیر محمد شیرازی در مسجد جامع عتیق شیراز

پیر محمد شیرازی از خوشنویسان شیراز نیمهٔ دوم قرن هشتم و قرن نهم است. قاضی احمد قمی کتیبه‌های بسیاری از مزارها و بناهای شیراز را به قلم او می‌داند. اگرچه از احوال و آثارش آگاهی چندانی در دست نیست؛ او را قرینهٔ عبدالله صیرفی شمرده‌اند و استادِ ابراهیم‌سلطان، شاه‌زادهٔ تیموری، بوده است. بر دیوار ضلع شمالی خدای‌خانهٔ مسجد جامع عتیق شیراز، در دو سوی درِ آن، کتیبه‌ای با رقم «کَتَبَهُ پیر محمد» نصب است. همچنین کتیبه‌ای بی تاریخ و رقم در زیر طاق‌نمای غربی دیوار شمالی بر سنگ حک کرده‌اند که از همین دوره باقی مانده است.

قاضی احمد قمی در *گلستان هنر* از کتیبه‌ای به قلم عبدالله صیرفی یاد کرده است که آن را به فرمان ابراهیم‌سلطان (۷۹۶–۸۳۷ق)، فرزند شاهرخ تیموری، در خدای‌خانهٔ مسجد جامع عتیق شیراز نصب کردند:

> عبدالله صیرفی [...] یاقوت عصر خود بوده. [...] میرزا ابراهیم‌سلطان بن میرزا شاهرخ، که از خوشنویسان مقرر ثلث است، به تبریز فرستاد [تا] این آیهٔ مبارکه [را] که به خط او بر سنگی نوشته شده بود سنگ‌تراشان کنده به شیراز برده و در دکان عمارتی که وی در میان صحن مسجد جامع بزرگ شیراز، که از زمان سامانیان احداث یافته و میرزا آن عمارت را در شهور سنهٔ عشرین و ثمانمائه ساخته، نصب نموده و آن آیه این است: «ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر».[۱]

اگرچه خدای‌خانه را پیش از قرن نهم ساختند، گفتهٔ قاضی احمد گواه بازسازی این بنا در حدود سال ۸۲۰ق است. فرصت‌الدوله نیز از مرمتهای ابراهیم‌سلطان در مسجد جامع عتیق یاد کرده است.[۲]

از عبدالله صیرفی در خدای‌خانه یا قسمتهای دیگر مسجد کتیبه‌ای باقی نیست؛ اما برنمای بیرونی جبههٔ شمالی بنا کتیبه‌ای رقم‌دار، به قلم ثلث در دو سطر نصب است. این کتیبه در دو قاب یک‌شکل در دو سوی درِ اصلی خدای‌خانه (درِ شمالی) قرار گرفته و رقم «کتبه پیر محمد» دارد. ابعاد هر قاب ۳۲×۴۰ س‌م است و بیتی عربی بر هر قاب نگاشته‌اند. رقم پیر محمد در قاب سمت چپ، میان دو سطر، جای گرفته است. متن کتیبه چنین است:

> انَّ آثارَنا تَدُلُّ عَلَیْنا/ فَانْظُروا بَعدَنا الی الآثار/
> و اذکروا کلَّنا بِنَعتِ الخیر/ فی دعاءِ العَشِیّ و الابکار/
> کتبه پیر محمد

از زندگی و آثار پیر محمد آگاهی چندانی در دست نیست. قاضی احمد می‌گوید:

> مولانا پیر محمد از دارالملک شیراز است. به‌غایت خوش می‌نوشته و گوی رجحان از خوشنویسان آنجا ربوده و در آن اوان کسی مثل وی ننوشته. اکثر کتابه‌های مزارات و عمارات شیراز به خط اوست.[۳]

همچنین محمود بن محمد در رسالهٔ *قوانین الخطوط* او را قرینهٔ عبدالله صیرفی شمرده است.[۴] پیر محمد از خوشنویسان اواخر قرن هشتم و قرن نهم است که در شیراز روزگار می‌گذرانده و نامش را «مولانا پیر محمد»،

«مولانا محمد شیرازی» و «پیر محمد» نوشته‌اند[5] و او را استاد ابراهیم‌سلطان خوانده‌اند. ابراهیم‌سلطان شاگرد عبدالله صیرفی نیز بوده و به ظن قوی در مرمت خدای‌خانهٔ مسجد جامع عتیق شیراز کتیبه‌هایی از استادان خود را به کار برده است. مؤید این حدس گفتهٔ قاضی احمد و کتیبهٔ رقم‌دار پیر محمد است.

در زیر طاق‌نمای مقرنس‌دار سمت غربی دیوار شمالی خدای‌خانه، کتیبهٔ سنگی دیگری است که بخش پایانی آن از میان رفته و بدون تاریخ و رقم است. کتیبه را دست‌کم در ده بند به قلم ثلث و هر بند را بر دو کرسی نگاشته‌اند، که هشت بند آن باقی است. کتیبه ۵۵ × ۱۰۰س‌م است، در سه قطعه سنگ تراش‌خورده حک شده و با کتیبهٔ پیر محمد در یک زمان نوشته شده است. متن کتیبه چنین است:

> بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی/ خصوصا علی اشرف الرسل و قدوة الاصفیاء محمد و اله الطیبین و صحبه و الذین/ اتبعوا هم باحسان الی یوم الدین و بعد بنا بر امتثال فرمان واجب الاذعان ان الله/ یأمر بالعدل و الاحسان درین ایام خجسته‌فرجام که اوضاع روی زمین بر طبق/ ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین منافع معدلت و انصاف/ و مساوی جور و اسراف بر حلیه احوال و خاتمه اعمال سلاطین بعین الیقین مشاهده/ میرود و حراست مملکت فارس و اطراف حفت بالالاء از تقدیر حکمت‌تأثیر الهی در [...] المستظهر بعنایت الملک [...][6]

شاهرخ در سال ۸۱۷ ق فرزندش ابراهیم‌سلطان را به ولایت فارس فرستاد.

> چون به موجب مثال واجب‌الامتثال امیر و امیرزادهٔ اعظم، خورشید سپهر مملکت و ماه افق رفعت و مشتری فلک سعادت [...] ابراهیم‌سلطان، خلّد الله مُلکَه، که به علوّ همت و عقیدت پاک شایان مُلک و سزاوار سریر سلطنت است، پیش تخت فَرقَدسای رسید، حضرت سلطنت‌شعاری، خلّد الله تعالی مُلکَه و سلطانَه، حکومت و سلطنت ممالک فارس و مضافات و منسوبات آن بدو مفوّض گردانید.[7]

کتیبهٔ طاق‌نمای غربی خدای‌خانه حاوی فرمان تفویض حکومت فارس از طرف پادشاه به شخصی است. احتمالاً این کتیبه را به یمن انتصاب ابراهیم‌سلطان به حکمرانی فارس نوشته‌اند. اگرچه کتیبه ناقص و بدون

تاریخ است، شیوهٔ قلم و هم‌زمانی احتمالی نگارش آن با کتیبهٔ دیگر ــ کتیبهٔ پیر محمد ــ مؤید این حدس است.

ابراهیم‌سلطان به کتیبه‌نگاری علاقه و اهتمام داشت و از کتیبه‌های متعددش بر در و دیوار شیراز یاد کرده‌اند؛ از جمله چند کتیبه در کاخ تَچَر تخت‌جمشید و کتیبهٔ سنگی

بقعهٔ علی بن حمزه (ع) با رقم او همچنان باقی است. بعید نیست که این کتیبه را نیز خود او نوشته باشد. شیوهٔ ثلث‌نویسیِ مسلط در دورهٔ تیموریان متأثر از قلم یاقوت است. عبدالله صیرفی و پیر محمد و ابراهیم‌سلطان نیز پیرو همین شیوه بودند؛ چنان‌که عبدالله صیرفی و پیر محمد را قرینهٔ یکدیگر و تشخیص قلم ابراهیم‌سلطان از یاقوت را مشکل دانسته‌اند.[۸] متن این کتیبه با گفتهٔ قاضی احمد دربارهٔ عبدالله صیرفی و کتیبه‌اش در خدای‌خانه متفاوت است؛ اما پیر محمد را نیز می‌توان نگارندهٔ کتیبه دانست. شاید هم خطاط کتیبه کسی جز این دو باشد.

قرینهٔ این طاق‌نما در ضلع شرقی دیوار شمالی را بازسازی کرده و با سنگهای جدید پوشانده‌اند. احتمال می‌رود کتیبه‌ای نیز در این سوی دیوار نصب بوده و بعدها از میان رفته است.□

پی‌نوشتها:

۱. قاضی احمد قمی، *گلستان هنر*، ص۲۴

۲. فرصت‌الدوله، *آثار عجم*، ص۷۲۱

۳. قاضی احمد قمی، همان، ص۲۸

۴. نجیب مایل‌هروی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، ص۳۱۱.

۵. مهدی بیانی سه خوشنویس را با این نام آورده است. او از پیر محمد شیرازی یاد کرده اما آثاری به رقم او ندیده است؛ نک: مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ج۱و۲، ص۱۰۷، ج۳و۴، ص۱۰۱۴.

۶. نخستین بار علی‌نقی بهروزی این کتیبه را خوانده، که اشتباهاتی دارد؛ ازجمله «اصطفی» را «الصطفی»،«صحبه» را «صحابه»، «درین» را «دراین» نوشته و واژه «بر» را در سطرچهارم از قلم انداخته است؛ نک: علی‌نقی بهروزی، *تاریخچه ساختمان و شرح آثار تاریخی و هنری مسجد جامع عتیق شیراز*، ص۶۰.

۷. حافظ ابرو، *زبدة التواریخ*، ج۱، ص۵۵۹.

۸. «در زیبایی خط به غایتی بود که نقل خط قبلةالکتّاب یاقوت المستصعمی نمودی و فرستادی و فروختی و از ناقدان بصیر هیچ کس فرق نیارستی کردن».ـــ دولتشاه سمرقندی، *تذکره دولتشاه سمرقندی*، ص۲۸۸.

کتاب‌نامه

بهروزی، علی‌نقی. *تاریخچه ساختمان و شرح آثار تاریخی و هنری مسجد جامع عتیق شیراز*، شیراز، ادارهٔ فرهنگ و هنر استان فارس، ۱۳۲۹.

بیانی، مهدی. *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۳، ۴ج.

حافظ‌ابرو. *زبدة التواریخ*، مقدمه و تصحیح سیدکمال حاج‌سیدجوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر نی، ۱۳۷۲.

دولتشاه سمرقندی، *تذکره دولتشاه سمرقندی*، به همت محمد رمضانی، تهران، پدیده ، ۱۳۳۸.

فرصت شیرازی، محمدنصیر. *آثار عجم*، تصحیح و تحشیهٔ منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر،۱۳۷۷، ۲ج.

قاضی احمد قمی. *گلستان هنر*، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.

مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.